سخن مدیر مسئول

تقدیم به روح بلند استاد فقید علی‌اکبر غفّاری

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. برای یک جامعه، بهترین عامل پیشرفت و تکامل معنوی «دین» است؛ اگر صحیح آن‌گونه که خداوند حکیم می‌خواهد، عرضه شود. و هم بدترین عاملِ سقوط و نابودی «دین» است؛ اگر سلیقه‌های بشری در آن دخالت کند و هر کسی با توجیه خود، کلامی به میل خود بدان نسبت دهد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام از این پدیده، بدین عنوان تعبیر می‌کند که اسلام را همچون «پوستین وارونهٔ» بر تن کرده‌اند (نهج‌البلاغه، خ ۱۰۷) بدین معنا که احکام و تعالیم اسلام را تحریف کنند تا جایی که تنها اسمی و ظاهری و شعائری از آن، برجای ماند. (نک: فی ظلال نهج‌البلاغه، ج ۲، ص ۱۴۰)

۲. مداخلهٔ سلیقه‌ها و هوسهای بشری در حریم دینِ الاهی، پیشینه‌ای دیرینه دارد. این کار، از روزگاران کهن تا کنون، «بدعت در دین» را پدید می‌آورده که پیشوایانِ معصوم علیهم‌السلام همواره با شدیدترین هشدارها، مردم را و جوامع را از آن بر حذر می‌داشته‌اند و به آنان تذکّر می‌داده‌اند که به محض دیدن نخستین نشانه‌های آن، به هوش باشند.

ائمّه علیهم‌السلام گاه در کلام خود گفته‌اند: «هیچ عاملی مانند بدعت، دین را به فساد نمی‌کشاند.» گاهی «رأی شخصی و هوای نفسانی و قیاس بشری» را «عامل نابودیِ دین» شناسانده‌اند. گاه به مردم تذکّر داده‌اند که از «آغاز روی‌دادنِ فتنه‌ها» بر حذر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.2.3]

باشندکه چیزی نیست جز «احکامی که بدعت نهاده می‌شود و هوسهای نفسانی که از آن پیروی کنند؛ آراء و هوسهایی که در آنها باکتاب خدا مخالفت شود.» (کافی، ج ۱، ص ۵۴، ح ۱) و دهها عنوان در این زمینه که در این گفتار کوتاه نمی‌گنجد.

۳. ماجرای بدعت‌گذاری در دین، ماجرایی است به قِدمتِ تاریخ حیات انسان؛ از روزی که:

□ انسان بوده، با اختیاری که می‌تواند به سوی بدی رود؛

□ دین بوده، که از ناحیهٔ خدای حکیم برای راهنمایی انسانها فرود آمده؛

□ عوامل نفسانی (مانند هواپرستی و ریاست‌طلبی و استکبار) در میان بوده که در پیِ آن، ساختهٔ بشری را به نام دین حقّ به مردم بشناسانند.

از همان روزها، بدعت، پا به پای دین پیش آمده است و تا روزی که شجرهٔ طیّبهٔ دین بر پاست ـ یعنی تا قیام قیامت ـ همواره، آفتی به نام بدعت، در این درخت آسمانی جای می‌گیرد که باید آن را زدود. برای همین آفت‌زدایی است که رسول رحمت صلی الله علیه و آله، خبر می‌دهد که در هر نسلی، حجّتهایی الاهی هستند که تأویلهای باطل و تحریفهای ناروا را از دین می‌زدایند تا دینِ خدا، صحیح و بی‌غلط، برای جویندگانِ راه درست و دین استوار (صراط مستقیم و دین قویم) روشن باشد. (وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۵۱)

۴. مدّتی است که در بیان فرهنگ‌مداران، «ضرورت مبارزه با تحریفها و خرافات» مطرح می‌شود. این رویکرد، بسی خجسته است به شرط آنکه با راهکار مناسب و درست اجرا شود. البتّه قبل از همه، بهتر است به جای «مبارزه با خرافات»، از «تبیین خرافات» سخن گوییم و راه قرآن را بپوییم که فرمود:

لا إکراه في الدین، قد تبیّن الرشد من الغیّ. (بقره (۲) / ۲۵۶)

إنا هدیناه السبیل، إمّا شاکراً و إمّاکفوراً. (انسان (۷۶) / ۳)

«تبیین»، جنبهٔ عطوفت و مهربانی دارد که انسان را بهتر به خود می‌کشاند. در هر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.2.3]

حال، برای تبیین خرافات و تحریفات، باید به این نکتهٔ مهمّ توجّه شود که بخشی عمده از اجزاء تشکیل‌دهندهٔ خرافات، «حقایق قطعیّه»اند که به دلیل «همراهی با مطالب سست و نادرست»، به جهت‌گیری غلط می‌انجامند.

خرافه، هیچ‌گاه بر مبنای مطلب جعلی یا هدف دروغین، شکل نمی‌گیرد؛ بلکه هدفی را ادّعا می‌کند که در نفس خود، هدفی مقدّس و حقیقتی استوار است؛ امّا با رویکردی خاصّ که به خرافه و تحریف می‌رسد. پس در اینجا باید با نگاهی «کلان‌نگر» به پدیدهٔ خرافه نگریست، نه «خُردنگر». در نگاه خُرد، برخی از اجزای خرافه و حقیقت، به هم شباهت دارند. بدین روی، باید به کلّ دیوار بنگریم نه آجرهای آن. کسی که دیوار کج را توجیه و تبلیغ می‌کند، آجرهای سالم آن دیوار را به رُخ دیگران می‌کشد؛ امّا عاقل آن است که به جای توجّه به تک‌تکِ آجرها، به کلّ دیوار بنگرد که آیا راست است یا کج؟! و بر این مبنا، حکم کند.

۵. سؤال اصلی این است که: «دیوار، راست است یا کج؟» کج بودنِ دیوار را چگونه باید فهمید؟ کسی که دیوار راست را نمی‌شناسد و ندیده است، چگونه بفهمد که دیواری کج است یا نه؟ برای این کار، به‌کمک وسیله‌ای مانند شاقول باید دیوار راست را بشناسد. اگر وسیله‌ای مانند شاقول به کار گرفته نشود، چگونه می‌توان فهمید که دیوار، کج است؟! جانِ کلام همین‌جاست: ما برای اینکه «خرافه بودنِ خرافه» را ابتدا خود بشناسیم و سپس به دیگران بشناسانیم، چه ابزاری درست کرده‌ایم و چه ابزاری به دست دیگران داده‌ایم؟

هشدارهای فرهنگ‌مداران در مورد ضرورت شناسایی و تبیین خرافه و تحریف، بسیار پسندیده و ضروری است؛ امّا در مرحلهٔ تعیین اهداف کلّی برنامه‌ها و دیدگاههای فرهنگی. ولی هر هدف کلّی، راهکارهایی مناسب خود را در مرحلهٔ اجرا می‌طلبد. یکی از این راهکارها، شناختن و شناساندن حقیقت است تا مانند شاقول به دست گیریم و خرافه را باز شناسیم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.2.3]

۶. گام نهادن در مسیر راهکارها، کاری دشوار و دراز مدّت است که به عواملی همچون: دقّت، حوصله، ژرف‌نگری و دورنگری نیاز دارد و مهم‌تر از همه، به معیارهای صحیح نیازمند است. در این مجال کوتاه، می‌خواهیم فقط به عامل اخیر بپردازیم؛ گر چه تمام آن عوامل، جای بررسی دارند.

«معیارهای صحیح در فهم دین» را از کجا باید فراگرفت تا به عنوان ضابطه در اختیارمان باشد و بر اساس آن، خرافه‌ها و تحریفها را باز شناسیم؟

بر مبنای توضیحاتی که در سرمقاله‌های پیشین آمده، «کتاب کافی» یکی از مهم‌ترین منابع برای شناخت این معیارهاست که با نگاه فقاهتی ـ به معنای جامع و صحیح کلمه ـ یعنی با تقوای علمی و فکری، می‌توان بیشترین بهره را از آن گرفت. این کلید نه تنها درهای قدیمی که درهای جدید را نیز می‌گشاید.

دقّت کنیم که زایش خرافات، روندی پیوسته است که همیشه ادامه دارد؛ گر چه لباس نو بر تن کند و نامِ «بازنگریِ فکری» بر خود نهد. حقایق فطری که در احادیث کتاب شریف کافی نهفته، مبتنی بر عقل سلیم و مبیّن قرآن و سنّت صحیح است؛ با چنان قدرت علمی که همواره می‌توان بر مبنای آن «شاقولهای علمی» ساخت و دیوارهای کجِ خرافه و تحریف را باز شناخت.

۷. ساختنِ این شاقولها، به نیازشناسی، مسئله‌شناسی، مخاطب‌شناسی و همراه آن، به دردمندی و دقّت و حوصله نیاز دارد. مشکل ما درونْمایهٔ منابع نیست، چرا که غنی‌ترین منابع را در اختیار داریم. ولی نوعِ نگاه ما به آن منابع باید متناسب با نیازهایمان باشد. در برابر دیدگاههای التقاطی، برخوردهایی صحیح با هدف تبیین مسائل، بر مبنای احادیث کافی ـ در زمینه‌های عقاید، اخلاق، انسان‌شناسی، جهان‌شناسی، آینده‌شناسی، مسائل اجتماعی، فروع احکام، تاریخ اسلام و موارد دیگر ـ انجام شده که تجربه‌های آنها، غِنای این کتاب شریف را در مواجهه با انواع مسائل نشان می‌دهد؛ ولی آن تجربه‌ها به همان عوامل نیاز دارد که یاد شد. کیست

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.2.3]

که در این غـوغای رقـابت کـمّیّتها و دنـیاطلبی‌هایِ رنگ و وارنگ، بـه ایـن مـهمّ بیندیشد؟! کیست که از این خوانِ گستردهٔ الاهـی، لقـمه‌هایی بـرای نسـل جـوان آسیب‌پذیر و سرنوشت ساز برگیرد تا آنان، گرسنگی فکریِ خود را با غذاهای آمادهٔ آلوده و مسموم، برطرف نکنند؟!

۸. آیا چنین نگاهی به منابع نقلی، به معنای تعطیل عقل است؟! سخن در این است که حکم عقل، رجوع به منابع نقلی و تسلیم در برابر آن است؛ چراکه عقل و نقل، هر دو، حجّتهای خدایند بر مردمان. و این حجّتها، همواره، با هم پیوسته و همراه‌اند. بهتر آن است که در اینجا، سخن فقیه اصولی بزرگ، میرزا ابوالقاسم قمی ـ صاحب کتاب قوانین الاصول ـ را بیاوریم. آن بزرگ‌مردِ میدان اندیشه و عمل ـ که در آستانهٔ دویستمین سالگرد وفات او هستیم ـ در ضمن نصایح علمی خود می‌گوید:

«تخلیه و مبرّا کردن نفس در اینجا بسیار صعب است، چراکه هیچ لذّتی در دنیا فوق لذّت ادراک نیست. و هیچ مایهٔ دنیایی فریبنده‌تر از علم نیست. از همه چیز زودتر، آدمی را هلاک می‌کند. و ادراک، هرچه دقیق‌تر و لطیفتر باشد، فریبنده‌تر است. بسیار مرد بزرگی می‌خواهد که بعد (از) مجاهدهٔ بسیار، مطلبی را بفهمد و منظّم کند، و به مجرّد اینکه کلامی از معصوم به او برسد، از فکر خـود دست بـردارد، و بـه حـقیقت کـلام مـعصوم عـمل کـند. بـلکه چـون امـر او مـردّد بین‌المحذورین می‌شود، سعیِ مالا کلام مبذول دارد که میانهٔ آنها جمع کند. چون کلام خود را، دل نمی‌گذارد که دست بردارد، کلام معصوم را تأویل می‌کند. فهم و ذهن و شعور وقّاد، مایهٔ امتحانی است به جهت انسان، که در هر زمانی، دینی می‌توان به اثبات آورد با ادلّهٔ تمام. و سخت شبیه است ذهن وقّاد به صـورت بسیار خوب، که حق تعالی کسی را بسیار خوش صدا کرده باشد، و می‌گوید که عنا مکن که حرام است.

پس هرچند افلاطون را به شاگردی قبول نداشته باشی، و ابوعلی را خوشه‌چینِ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.2.3]

خرمن خود ندانی، همین که یک حدیث از معصوم به تو رسید و دانی که از معصوم است، همان‌جا بایست و بسیار اجتهاد و سعی کن تا تخلیهٔ کامل کنی، و از خدا بخواه که راهنمایی به حقیقت بکند.» [1]

۹. مدینهٔ فاضلهٔ حیات بشر، ظهور آن امام موعود است که دین را بدون کژی و ناراستی به بشر عرضه می‌کند و حقایق دین را به آنها می‌نمایاند، که عمدهٔ مقاومتهای نااهلان و حق‌ستیزان در برابر حضرتش، از همین‌جا ناشی می‌شود.

آن امام همام، «هویٰ» را به «هدی» بر می‌گرداند و «رأی» را به «وحی»؛ در حالی که پیش از ظهور، به عکس آن عمل می‌شد.

۱۰. اگر باید برای آن روز باید انتظار بکشیم ـ که چنین باید ـ و اگر در آن روز باید در زمرهٔ یاوران حضرتش باشیم ـ که چنین باید ـ پس بایسته آن است که از هم اکنون، در جهت شناختن دین صحیح بر مبنای منابع استوار همچون کتاب شریف کافی و آن‌گاه شناساندن آن به دیگران و سرانجام، تبیین راه درست از نادرست، بکوشیم تا زمینهٔ درون و برونِ فرد و جامعه برای آن روزِ بی‌مانند آماده شود. بدان امید که هر چه زودتر، در باران آن لحظات آسمانی، درونِ جان را بشوییم و در پرتو ارشاد و هدایت امامِ مهدیِ هادی، در این وادی، ره سپاریم و چونان شمعی راه به دیگران نماییم. آمین یا ربّ العالمین.

۱. رساله رکنیه (به ضمیمه کتاب قم‌نامه)، به کوشش سید حسین مدرّسی طباطبایی، چاپ کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ص ۳۶۶ـ۳۶۷.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1387.5.20.2.3]